یادداشت

مسابقه «ایران» میدانی برای همه ایران

مارياه بهمن‌پور
کارشناس رسانه

از پخش مسابقه «ایران»، برنامه‌ای از گروه اجتماعی شبکه یک، دو فصل گذشته است. در فصل دوم، تلاش برنامه‌سازان این مجموعه برای بهبود کیفیت آن آشکار است، از تغییر در شیوه اجرا و راهبری برنامه گرفته تا چیدمان استودیو و ابزار و نمایه‌های دیداری آن. پیامد این بهبود در افزایش شمار شرکت‌کنندگان مسابقه و افزایش هواداران برگه اینستاگرامی آن به‌روشنی دیده می‌شود.

چیزی که از دید نگارنده، این مسابقه را از دیگر نمونه‌های سرگرمی ساخته شده در سیما ویژه می‌کند و لزوم پرداختن به آن را بیشتر، آن است که فرآیند آموزشی دامنه‌داری از زمان ثبت‌نام هر خواهان شرکت در مسابقه تا زمان گزینش نهایی برای پا گذاشتن به میدان مسابقه ایران در جریان است. چنان که در زمینه تاریخ، جغرافی، فرهنگ، ادبیات، هنر و هویت ایرانی داده‌های فراوانی را به ایرانیان درگیر این میدان می‌دهد که به جرأت می‌توان گفت این اطلاعات ایران‌شناسی را هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان در هیچ دوره دیگری از زندگی‌شان، یکجا و به این اندازه دریافت نکرده‌اند. به‌جز این، شکل چیدمان صحنه و دکور و شیوه نمایش پرسش‌ها بر کفه‌ای گرد و گزینش پاسخ‌ها با حرکت شرکت‌کنندگان روی این کفه، گویی جذابیت فرآیند آموزش را برای بینندگان پای گیرنده‌ها هم در نظر داشته است و با زمان دادن به بیننده در خانه و ایجاد جذابیت تصویری بیشتر، امکان ماندگاری پاسخ را در ذهن آنها فراهم می‌کند.

مسابقه ایران از کم شمار نمونه‌های صداوسیماست که بخشی از بار مهم پرداختن به سراسر این پهنه گسترده پر رمز و راز تمدن ایرانی را بر دوش گرفته است؛ پهنه‌ای که اگر بخواهیم مرزهای فرهنگی‌اش (هنرها و آیین‌ها

و باورهای ایرانی) را با مرزهای ژنتیکش (دانش نوین ژنتیک پراکندگی نژاد ایرانی یا آریایی را از مرزهای باختری چین تا ترکیه، سوریه، عراق و... می‌داند) و مرزهای زبانی‌اش (همه شاخه‌های زبان‌های ایرانی، از فارسی درباری یا دری که امروز زبان رسمی ایران است تا کردی، گیلکی، مازنی، بلوچی و... لهجه‌های تاجیکی و افغانستانی فارسی و زبان پشتو که هم‌ریشه زبان‌های ایرانی است، حتی زبان‌های غیرایرانی که در جغرافیای ایران با فرهنگ ایرانی آمیخته‌اند مانند ترکی گویش آذری و عربی گویش ایرانی) بسنجیم با کمال شگفتی می‌بینیم بر هم تراز می‌شوند و هر سه بر یک واقعیت گواهی می‌دهند که مرزهای تمدنی ایران زمین است.

اکنون مسابقه‌ای که از نمونه‌های نادر برنامه‌سازی ۴۰ سال گذشته است با چنین رسالت مهمی، بدون داشتن اسپانسرهای برون سازمانی (که هزینه‌های آنچنانی برای برخی برنامه‌های سرگرمی می‌کنند) و بدون کپی‌برداری از روی دست دیگران، یک نمایش تازه و کاملا خلاقانه ایرانی را برپا کرده که از جایگاه سرگرمی صرف به جایگاه بستر آموزشی ارزشمند رسیده، آیا شایستگی توجه بیشتر سازمان و امکانات بهتر برای جذاب‌تر شدن برون‌داد دیداری و تصویری‌اش را ندارد تا بتواند بیننده بیشتری جذب کند و حتی تماشاگر برون‌مرزی را پای تلویزیون بکشاند؟

از دید بسیاری از بینندگان سیما که دغدغه فرهنگ ملی دارند، شایسته است امکانات مادی و فرصت ابراز و عرضه اندیشه‌های نو برای این دست برنامه‌ها گسترش یابد، به‌ویژه در این دوره زمانی که رسانه‌های ایران‌ستیز مانند قارچ در قالب تلویزیون‌های خارجی یا برگه‌های فضای مجازی با پشتیبانی مالی و برنامه‌ای گسترده کشورهای دشمن و حتی به اصطلاح دوست و همسایه در حال روییدن هستند و مأموریت مهم‌شان جعل و دروغ‌پردازی درباره تاریخ و فرهنگ و هویت ایرانی و بیگانه کردن شهروند ایرانی از خویشتن خویش و جداسازی ملت درهم تنیده ایران از هم است.

پخش «سینماکوتاه» در شبکه آی‌فیلم

شبکه آی‌فیلم پخش مجموعه برنامه «سینماکوتاه» را آغاز کرد.

به گزارش روابط‌عمومی رسانه‌ملی، «سینماکوتاه» برنامه‌ای تخصصی برای معرفی آثار برجسته در دسته‌بندی فیلم‌کوتاه است و از این پس شامگاه یکشنبه‌ها از آنتن شبکه آی‌فیلم به نمایش درمی‌آید. تهیه‌کنندگی این برنامه را علی‌اکبر صدیقی و اجرای آن را حسام فروتن که پیشتر تجربه اجرای برنامه «سینما آی‌فیلم» را در همین شبکه داشته است به عهده دارد. سینماکوتاه در مدت ۲۵ دقیقه، نمایش یک فیلم‌کوتاه با ارزش‌های تکنیکی و محتوایی قابل‌توجه و نیز گفت‌وگو با کارگردان اثر با موضوعاتی همچون ساحت فیلم‌کوتاه از منظر کلی، چالش‌های پیش‌روی فیلمسازان در تولید و پخش، جشنواره‌ها و عرضه و نمایش فیلم‌های کوتاه از طریق پلتفرم‌های فضای مجازی، سرمایه‌گذاری و بازگشت آن و البته استقبال مخاطبان را دربردارد. سینماکوتاه محصول واحد تولید و هنری شبکه آی‌فیلم است که از این پس یکشنبه‌ها ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه از این شبکه پخش می‌شود.

برنامه «اتاق روشن» شبکه ۴، روایتگر روزهای انقلاب از نگاه عکاسان است

روشنخانه انقلاب

نوشین مجلسی
فاطمه شهدوست
رسانه

«اتاق روشن» نام برنامه تازه شبکه چهار سیماست که به‌صورت ویژه از ۱۱ تا ۲۲ بهمن، شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۲ روی آنتن می‌رود و به گفته تهیه‌کننده‌اش قرار است بر گوشه‌هایی از ماجراهای انقلاب در ایران نور بتاباند که تاکنون مورد توجه کسی نبوده است. برنامه سراغ عکاسان آن دوره تاریخی رفته است تا تصاویر مستند آنان یا دیگر عکاسان از این واقعه را بار دیگر در اتاق روشن منتشر کند و به بحث بگذارد. برخی عکاس‌های مطبوعاتی دوران انقلاب که عکس‌هایشان در آن سال‌ها تاثیرگذار بوده است، در این برنامه حاضر شدند، از فضای کارشان و ماجراهای عکس‌های مهم گفتند و تظاهرات‌ها، اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها، رفتن شاه، بازگشت امام و سقوط نظام پهلوی را از دریچه نگاه خود روایت کردند. با فائقه‌سادات میرصمدی، تهیه‌کننده، کارگردان، پژوهشگر و نویسنده این برنامه ۱۰ قسمتی گفت‌وگو کردیم و او جزئیات بیشتری از اتاق روشن گفت.

انقلاب از دریچه‌ای دیگر

در دورانی که مطبوعات نقش رسانه‌ای مهم و بی‌بدیلی داشتند، انقلابی در ایران رخ داد که بازتاب آن در روزنامه‌های کشور در قالب عکس، گزارش و مصاحبه به چاپ رسید و در مسیر پیروزی و همه‌گیری آن تاثیر فراوانی داشت. اما در این سال‌ها کمتر به این موضوع به‌ویژه در برنامه‌های صداوسیما پرداخته شده است. اتاق روشن برنامه تازه شبکه چهار سیما در این زمینه سراغ عکاسان رفته است تا انقلاب را از دریچه نگاه آنان و دوربین‌هایشان به نمایش بگذارد. فائقه‌سادات میرصمدی، تهیه‌کننده این برنامه در گفت‌وگو با جام جم بیان می‌کند: سال‌هاست درباره انقلاب و دهه فجر برنامه‌های مختلفی ساخته و از جهات متفاوتی به آن پرداخته شده است. اما بخش تصویری آن، یعنی عکس و گرافیک خیلی دیده نشده است. در سال‌های اخیر ما بیشتر فکت‌های خودمان را از انقلاب گفتیم و ارتباط نسل جدید که دهه هشتادی هستند با آن اتفاقاتی که ندیده‌اند، قطع شده است. امروز چون وسایل ارتباط جمعی در دست مردم زیاد است و هر آدم برای خودش یک رسانه دارد، نمی‌شود یک موضوع را مثل قدیم فقط برای مردم تعریف کرد. باید به آنها اصل قضیه و سندها را نشان داد. به همین خاطر سراغ عکس رفتم. چیزی که هیچ قضاوتی در آن نیست؛ حتی مثل فیلم نیست که سمت‌وسوی خاصی داشته و با ذهنیت کارگردان و نویسنده شکل گرفته باشد. سندی بدون قضاوت و کپشن است. در واقع یک جورهایی با عکس، مخاطب را مقابل ماجرایی می‌گذاریم که سال‌ها قبل اتفاق افتاده است. به نظرم در سال‌های اخیر خیلی تلاش کردیم تصویر درستی از انقلاب نشان دهیم، ولی متاسفانه چندان موفق نبودیم چون بخش استنادی قضیه مشکل داشته است. وقتش بود همه کسانی که انقلاب را برحق می‌دانیم، خودمان را کنار بکشیم و به بخش‌هایی از تاریخ که ما به آنها دسترسی داریم و مردم عادی ندارند، نور بیندازیم تا خودشان ببینند. وظیفه ما بود سکوت کنیم و به بخش‌هایی که مورد توجه کسی نبوده است، نور بتابانیم تا مردم خودشان نگاه کنند.

میرصمدی:
امروز چون وسایل ارتباط جمعی در دست مردم زیاد است و هر آدم برای خودش یک رسانه دارد، نمی‌شود یک موضوع را مثل قدیم فقط برای مردم تعریف کرد. باید به آنها اصل قضیه و سندها را نشان داد به همین خاطر سراغ عکس رفتم

یک سوال اساسی

حالا که اتاق روشن سراغ سوژه‌ای تازه رفته است، انتظار می‌رود ناگفته‌هایی را برای بینندگانش بیان کند. میرصمدی در این مورد می‌گوید: در این برنامه سعی کردیم سراغ عکاسانی برویم که در روزنامه‌ها کار کردند و عکس‌هایشان چاپ شده است. این عکاسان برای روزنامه‌های کیهان و اطلاعات کار می‌کردند. مدیر روزنامه اطلاعات، سناتور مسعودی و بنیانگذار روزنامه کیهان، سناتور مصباح‌زاده است. این افراد با شاه فالوده می‌خوردند. یک پرسش جالب و عجیب داشتم و آن این بود که چطور می‌شود عکاسان در چنین روزنامه‌هایی، عکس‌های انقلابی مردم را چاپ کنند!؟ این سوال بزرگی است که عکاسان چگونه جان و شغلشان را به خطر می‌انداختند و در روزنامه‌ای که دولت پولش را می‌دهد، عکس‌های انقلابی چاپ می‌کردند و با انقلاب همراه شدند؟ می‌بینیم در پاییز ۵۷ همین روزنامه‌ها همراه با دیگر بخش‌های دولتی مملکت وارد اعتصاب‌ها می‌شوند. عکاسان می‌گویند اعتصاب کردیم و دولت حقوقمان را قطع کرد. در این سال‌ها همه سراغ بقیه بخش‌ها در انقلاب رفتند و خاطره ایشان را گرفتند، اما کسی سراغ عکاسان نرفته بود. کسانی که خیلی در آن روزها تلاش کرده و برای ما سند تولید کردند. بعضی از این افراد حتی عکاس آزاد هستند و به روزنامه مربوط نمی‌شوند، اما با دوربین شخصی‌شان وسط معرکه‌ای رفتند که به احتمال زیاد کشته می‌شدند، اما جان سالم به در بردند. آنها در روزگاری که نمی‌دانستند انقلاب پیروز می‌شود یا نه، برای کشور سندهای قابل دفاع تولید کردند. او ادامه می‌دهد: همچنین دنبال پاسخ این سوال بودیم که کدام عکاس‌ها ذهنیت‌شان سراغ بازتاب انقلاب می‌رود. متوجه شدیم اول عکاس‌های حوزه حوادث بودند. مثلا یکی از آنها درباره سابقه‌اش می‌گوید فلان هواپیما که سقوط کرد، عکاس‌اش من بودم. می‌شود گفت ابتدا با این دید وارد قضیه شدند که حادثه بزرگی دارد در کشور اتفاق می‌افتد.

عکس و انقلاب

این برنامه در استودیو یا در فضاهای رئال مثل خانه برخی از این افراد مقابل دوربین رفته و در آن تصاویر آرشیوی اتفاقاتی که در موردشان صحبت می‌شود نیز استفاده شده است. در برنامه عکس در انقلاب به صورت کلی سوژه قرار گرفته و در دل گفت‌وگو با عکاسان و دیگر مهمانان قاب برنامه، ماجرای تهیه عکس‌های مهم هم بیان می‌شود. کارگردان اتاق روشن عنوان می‌کند: محور برنامه عکس و انقلاب است. در بعضی قسمت‌ها به ماهیت اعتراضی عکس نزدیک شدیم. در این زمینه از انقلاب مشروطه تا این زمان را نگاه کردیم و بررسی در مورد کارکرد عکس در انقلاب مشروطه، آمدن رضاشاه و... را داشتیم. همچنین با چند خانم جوان آتلیه‌دار که این روزها کار عکاسی می‌کنند، صحبت کردیم که گفتند دوست داشتیم در آن روزها بودیم؛ چون گل کار عکاسی در انقلاب‌ها و بحران‌ها اتفاق می‌افتد. این بخش را هم داریم تا نشان دهیم کسانی که در این شغل هستند و از این راه ارتزاق می‌کنند، درباره اهمیت موضوع عکس در انقلاب همین نظر را دارند و این فقط حرف ما نیست. به طور کلی با شش هفت نفر عکاس صحبت کردیم. با تقی آزاد ارمکی، استاد جامعه‌شناسی هم گپ زدیم و ایشان تحلیلی از موضوع‌های برنامه ارائه دادند. البته جالب است که وقتی وارد گفت‌وگو با ایشان شدیم، دیدم خودشان در ماجرای ۱۷شهریور تیر خوردند و کسی تا به حال این موضوع را نمی‌دانست. دکتر محمد خدادادی مترجم‌زاده، رئیس دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه هنر هم موضوع عکس در دهه‌های مختلف ایران تا انقلاب را توضیح می‌دهد.

زندگان و رفتگان

در میان عکاسان قدیمی که در برنامه حضور دارند یا در مورد کارهای آنها در حوزه انقلاب صحبت می‌شود، معمولا فقط نام آقایان شنیده می‌شود. از میرصمدی می‌پرسیم سراغ بانوان عکاس آن دوره هم رفته است، او پاسخ می‌دهد: می‌خواستیم با خانم مریم کاظم‌زاده صحبت کنیم که عکاسی از انقلاب و جنگ را در کارنامه دارند. متاسفانه بیمار بودند و گفتند در فرصت‌های بعدی همراه ما خواهند بود. میرصمدی ادامه می‌دهد: در میان عکاسان آن دوره، دو نفرشان از دنیا رفتند. با خانواده مرحوم عبدالحسین پرتوی و خانواده مرحوم قربان خلیلی صحبت کردیم. آنها شاهد ماجرای انقلاب هستند و عکاسان را کنار خود داشتند و ماجراها را از زبان آنها می‌شنویم.

عکس: زنده‌یاد حسین پرتوی

مزد ترس در بن‌بست

عکس: زنده‌یاد کاوه گلستان

هر قسمت از برنامه به یک موضوع اختصاص دارد. تهیه‌کننده اتاق روشن بیان می‌کند: برای هر قسمت از برنامه موضوع تعریف کردیم. مثلا کلاکت اول برنامه پخش شد، اسمش مزدترس بود و عکاس‌ها درباره تجربه ترس و هیجان در این کار گفتند. جالب است گفتند از هر دو طرف می‌خوردیم. مردم فکر می‌کردند ما ساواکی هستیم و آمدیم عکس آنها را برای شناسایی بگیریم. از طرف دیگر مامورها می‌گفتند برای چه از ما عکس می‌گیرید. عکس‌ها در روزنامه چاپ می‌شود و فامیل‌مان می‌بیند ما سرباز رژیم پهلوی هستیم و اذیتمان می‌کنند. این دوگانگی جالب است. قسمت دوم، به اسم آلبوم ژاله درباره ماجراهای ۱۷شهریور است. تنها عکاس ۱۷شهریور را پیدا کردیم و ایشان کاملا جریان شعاری که مردم می‌گویند از کشته پشته ساختند را تعریف می‌کند. قسمت سوم، با اسم بن‌بست درباره بحران عکاسی است و پیشینه این کار را بررسی می‌کنیم. قسمت بعدی، درمورد اتحاد و همدلی ملت و شکل‌گیری تظاهرات است و.... در هر قسمت به استناد عکس‌ها مسائل مطرح می‌شود.

نزن، سرباز...

به گفته میرصمدی انجمن عکاسان انقلاب و دفاع‌مقدس درباره یافتن این عکس‌ها که مقابل دوربین برنامه قرار بگیرند به آنها کمک کردند. او می‌گوید: بخشی از این عکس‌ها در کتاب چاپ شده، اما دیده نشده است. بخشی از عکس‌ها حتی به صورت گسترده چاپ هم نشدند و در آرشیوها ماندند. یکی از این عکس‌های معروف «نزن، سرباز...» است. در این عکس یک سرباز دارد از فاصله نزدیک به یک آدم معمولی شلیک می‌کند. ما در برنامه ماجرای آن روز را تعریف می‌کنیم. میرصمدی درباره ادامه‌دار شدن برنامه می‌افزاید: دوست داریم بعد از این هم ماجراهای دیگر انقلاب را نشان دهیم و به‌طور کلی فرم برنامه را با موضوع‌های دیگر هم پیش ببریم. قرار است در اتاق روشن از نقطه شروع رسمی انقلاب اسلامی که سال ۵۷ است شروع کنیم و بعد به دهه فجر، ۱۹فروردین، شخصیت‌ها و قله‌های انقلاب اسلامی، جنگ و... بپردازیم.

زنده‌یاد قربان خلیلی
عکاس «نزن، سرباز» است

تصویر یک مثلث

محمد قاسم، یکی از عکاسانی که در این برنامه حاضر شد و خاطرات زیادی را از آن روزها ثبت کرده است، در گپی که داشتیم درباره حضورش در این برنامه می‌گوید: این دست برنامه‌ها از جهت آن‌که خیلی‌ها انقلاب را درک نکردند و نمی‌دانند آن روزها چطور گذشته و به چه شکل بوده، می‌تواند تاثیر زیادی داشته باشند، چراکه همه باید بالاخره بدانند در طول تاریخ کشورشان چه گذشته است. اتاق روشن هم با مرور تصویری آن روزها، بخشی از این قضیه را به تصویر کشیده است.

او با یادآوری آن روزها ادامه می‌دهد: در طول دوره کاری و مجموعه‌هایی که داشتم من از اغلب رخدادهایی که به دهه فجر منتهی شد، عکس گرفته‌ام، از تظاهرات گرفته تا مراسمی مثل چهلم شهدا و.... که هر کدام از آنها حال و هوای خاصی داشتند که امروز دیدن و مرور آنها خالی از لطف نیست.

قاسم درباره نگاهی که در آن مقطع به عکس‌هایی که ثبت می‌کرده داشته هم بیان می‌کند: ابتدا که من شروع به ثبت این لحظه‌ها کردم، کارمند کانون بودم و به صورت حرفه‌ای عکاسی نمی‌کردم. علاقه به این فضا باعث شد دست به چنین اقدامی بزنم. در همین مسیر با گذشت زمان و تقریبا از سال ۵۹ این علاقه جدی‌تر و باعث شد هدفمندتر عکس بگیرم.

او با اشاره به تاثیری که این دست برنامه‌ها دارند هم می‌افزاید: به طور کلی تولید چنین برنامه‌هایی به هر طریقی از سخنرانی گرفته تا مرور عکس و فیلم که بتواند آن روزها را به نسل جوان بیشتر بشناسد، ضروری است و این برنامه هم قدمی در این زمینه است تا روزهایی که ما آنها را زندگی کرده‌ایم را به شکلی منعکس کنند. الان هم با دیدن این برنامه‌ها خود من لحظه به لحظه با خاطرات آن روزها همراه می‌شوم و این تعامل خاطرات، حس‌ها و رخدادها اتفاق خوبی است که باید به آن پرداخته شود.

این عکاس در آخر با تشریح مفاهیمی که در عکس‌هایش به دنبال آن بود، یادآور می‌شود: در همه مراسم و برنامه‌هایی که من از آنها عکاسی می‌کردم، آنچه برایم مهم و جالب توجه بود به مثلثی که بین امام، مردم و اسلام شکل گرفته بود برمی‌گشت، جریانی که با گذشت سال‌ها از آن همچنان برقرار است و در عکس‌های من هم این موضوع به چشم می‌خورد.